

بررسی وضعیت صوفیه نیشابور در قرون دوم تا پنجم هجری

✍ محمدعلی فاطمی نژاد^۱

✍ امیرحسین حسین آبادی^۲

چکیده

این مقاله، تاریخچه تصوف و فرقه‌های متصوفه در نیشابور را بررسی می‌کند؛ شهری که یکی از مراکز برجسته تصوف در تاریخ اسلام به شمار می‌آید. نیشابور، به سبب موقعیت جغرافیایی، فرهنگی و علمی خود، از قرون اولیه اسلامی، پایگاهی مهم برای رشد و شکوفایی تصوف بوده است. این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی، دوره‌های تاریخی تصوف در نیشابور و فرقه‌های آن، از جمله ملامتیه، کرامیه و بکناشیه را تحلیل می‌کند. در این مقاله، تأثیرات فرهنگی، اجتماعی و معنوی نیشابور بر تصوف اسلامی و نقش این شهر در شکل‌گیری و ترویج فرقه‌های صوفی نیز تبیین می‌شود. نیشابور در سده‌های سوم و چهارم هجری، به‌ویژه با ظهور عارفان بزرگی مانند بایزید بسطامی و ابوسعید خراز، به اوج شکوفایی رسید و به‌عنوان کانون علمی و فرهنگی، تأثیرات عمیقی بر ادبیات عرفانی و آموزه‌های اسلامی گذاشت. این مقاله همچنین منابع موجود درباره تصوف نیشابور را تحلیل و نقد کرده و اهمیت این شهر در تاریخ تصوف و عرفان را روشن می‌سازد. در نهایت، این تحقیق می‌تواند به درک عمیق‌تر تحولات فکری و معنوی در تاریخ اسلام و نقش نیشابور به‌عنوان پایگاه معنوی و علمی در این زمینه کمک کند.

واژگان کلیدی: تصوف، نیشابور، خراسان، عرفان.

۱. دانش‌پژوه سطح چهار رشته کلام مقارن، مدرسه تخصصی عالی نواب، حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران
(نویسنده مسئول)، ali.fateh.8968@gmail.com

۲. دانش‌پژوه سطح دو رشته فقه و اصول عمومی، مدرسه فضل بن شاذان، حوزه علمیه خراسان، نیشابور، ایران،
amirhoseinhosinabadi@gmail.com

منطقه خراسان، به‌ویژه نیشابور، به‌عنوان یکی از مراکز تأثیرگذار در زمینه تصوف، نقش بسزایی در شکل‌گیری و گسترش فرقه‌های صوفیانه ایفا کرده است. این شهر به‌دلیل موقعیت جغرافیایی، فرهنگی و علمی خود، از قرون اولیه اسلامی پذیرای دانش در زمینه‌های مختلف بوده و این امر باعث رشد و شکوفایی تصوف در این منطقه شده است. در سده سوم هجری قمری، با تأسیس حکومت طاهریان، نیشابور به پایگاه امنی برای صوفیان تبدیل شد و در این دوره، مکتب عرفانی خراسان در کنار مکتب بغداد شکل گرفت.

با توجه به این پیشینه غنی، پرسش اصلی این پژوهش آن است که تحولات تصوف در نیشابور از قرن دوم تا پنجم هجری چگونه بوده است.

این پژوهش با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و با استناد به منابع تاریخی و متون کهن، تحولات تصوف در نیشابور را بررسی می‌کند. پژوهش درباره تصوف و فرقه‌های متصوفه در نیشابور نه تنها به شناخت بهتر تاریخ فرهنگی و اجتماعی این منطقه کمک می‌کند؛ بلکه می‌تواند به درک عمیق‌تری از تحولات فکری و معنوی در تاریخ اسلام منجر شود. نیشابور، به‌ویژه در قرن سوم هجری، به‌عنوان مهد تصوف، باید دقیق‌تر بررسی شود تا ابعاد مختلف این پدیده فرهنگی و مذهبی روشن شود. همچنین از آنجا که پژوهش جامع و منسجمی در این زمینه انجام نشده است، این موضوع نیاز مهمی برای تحقیق محسوب می‌شود.

پیشینه تحقیق درباره تصوف و فرقه‌های متصوفه شامل آثار متعددی است. یکی از مهم‌ترین آن‌ها کتاب عرفان و تصوف نوشته داود الهامی است که به تعاریف تصوف و تاریخ شکل‌گیری آن در جامعه اسلامی می‌پردازد. همچنین، کتاب تاریخ صوفی و صوفی‌گری تألیف عبدالله مبلغی آبادانی، گسترش و سامان‌گیری تصوف در قرن سوم و عارفان و صوفیان نامدار این دوره را بررسی

کرده است. کتاب جستجو در پژوهش‌های عرفانی نوشته نصرالله جوادی نیز به منابع کهن در باب ملامتیان نیشابور و تفاوت‌های طریقه اهل عراق و اهل خراسان اشاره دارد. افزون‌بر این، کتاب جستجو در تصوف ایران تألیف دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، تصوف در ایران و به‌ویژه در خراسان را بررسی کرده، به عارفانی چون ابوسعید فضل‌الله بن ابی‌الخیر اشاره می‌کند.

ازجمله مقالات معتبر در این حوزه مقاله پژوهشی «بررسی تطبیقی صوفیان در گسترش اسلام در شرق ایران در سده‌های سه تا پنج قمری» نوشته اقدس گاراژیان و همکاران است. این مقاله نقش صوفیان در گسترش اسلام در این دوره تاریخی را تحلیل و مقایسه کرده، به ابعاد مختلف فعالیت‌های آنان در شرق ایران می‌نگرد. همچنین مقاله پژوهشی «ملاطیه و بازخوانی و نقد آن از نگاه هجویری» تألیف نعمت‌الله چوگانی و همکاران، ابعاد مختلف تصوف و تأثیرات آن در تاریخ اسلامی را به‌صورت عمیق بررسی کرده است. علاوه‌بر این آثار، مقالاتی، مانند «تصوف در مکتب خراسان» نوشته جمشید صدری و «نگاهی به ابعاد گوناگون اختلاف جنید و حلاج در آینه تقابل تصوف مکتب خراسان و بغداد» تألیف شکرالله پورالخاص نیز موضوع تصوف در خراسان را بیان کرده‌اند؛ باین حال این آثار به‌طور خاص و متمرکز به تصوف در نیشابور اشاره نکرده، بیشتر به جنبه‌های عمومی و کلی تصوف در خراسان و بغداد پرداخته‌اند.

مقاله «تشکیلات صوفیان و ساختارهای قدرت در نیشابور قرون وسطی» نوشته مارگارت مالاود با ترجمه محمد نظری هاشمی، تشکیلات صوفیان در قرن ششم هجری را بررسی کرده، تأکید اصلی آن بر نقش خانقاه‌ها در نیشابور است. این مقاله به‌خوبی نشان می‌دهد که چگونه خانقاه‌ها به‌عنوان مراکز قدرت و آموزش صوفیان عمل می‌کردند. همچنین مقاله «آرای متصوفان در نیشابور در قرون میانه» آرای متصوفان مشهور نیشابور از قرن سوم تا ششم هجری را بررسی کرده است. این مقاله به‌طور خاص به تفکرات و آموزه‌های صوفیان نیشابور در این دوره تاریخی پرداخته، نقش آن‌ها را در شکل‌گیری جریان‌های فکری و معنوی بررسی می‌کند.

نوآوری این مقاله در این است که تاکنون مقاله‌ای جامع و منسجم درباره سیر تحول تصوف در شهر تاریخی نیشابور نگارش نشده است. با توجه به اهمیت تاریخی این شهر، به عنوان یکی از مراکز اصلی شکل‌گیری فرقه‌های مختلف صوفیانه، این تحقیق به درک عمیق‌تری از تأثیرات فرهنگی، اجتماعی و معنوی نیشابور بر تصوف اسلامی کمک می‌کند. در این مقاله، علاوه بر بررسی تاریخچه و تأثیرات فرقه‌های گوناگون، منابع موجود در این زمینه تحلیل و نقد می‌شوند که غنای ادبیات پژوهشی در این حوزه را افزایش داده، زمینه‌ساز تحقیقات آینده خواهد بود.

۱. مفهوم‌شناسی تصوف

«تصوف» در لغت به اشکال مختلفی ذکر شده است. یکی از معانی آن، پشم است و به نوعی به پوشیدن لباس‌های پشمینه اشاره دارد. برخی معتقدند که واژه «صوفی» از «صوف» به معنای پشم گرفته شده است که به زهد و پارسایی اشاره دارد؛ به عنوان مثال، ابن خلدون به این نکته اشاره می‌کند که این طایفه به پشمینه‌پوشی عادت داشته‌اند (ابن خلدون، ۱۳۶۴: ۲۳). همچنین ابوریحان بیرونی معتقد است که کلمه «صوفی» از واژه یونانی «Sophia» به معنای حکمت و دانش گرفته شده است (زرین کوب، ۱۳۶۳: ۱۱).

تصوف در اصطلاح به معنای ریاضت نفس، ترک دنیا و مجاهده برای بیرون آمدن از هر خوی بد و درون شدن به هر خلق خوب است (تهرانی، ۱۳۹۵: ۴۵).

علی بن عثمان جلابی هجویری می‌گوید: «صوفی آن بود که از خود فانی و به حق باقی و از قبضه طبایع رسته و به حقیقت پیوسته باشد و اهل کمال را صوفی خوانند و متعلقات و طالبات را متصوف گویند.» (مبلغی آبادانی، ۱۳۷۶: ۴۵).

صوفیان در زمره‌ای هستند که به رضای خداوند ﷻ و فقر بر غنای مادی ترجیح داده‌اند. آن‌ها جدایی از خلق و خلوت را برگزیده، به اخلاق حسنه متخلق شده‌اند؛ به عنوان مثال، عبدالباقی گولپینارلی بیان می‌کند: «صوفیان به خداوند ﷻ متکی بوده، هستی خود را در هستی ازلی و

حادث می‌بینند و به دیگران بخشیده‌اند؛ بدون آنکه نظری به عطای خود داشته باشند.» (گولپینارلی، ۱۳۸۳: ۱۳).

در مورد اشتقاق واژه «تصوف» نظرات متعددی وجود دارد. برخی از محققان معتقدند که این کلمه نامی است که به این مسلک داده شده و پیروان آن را صوفی خوانده‌اند. ابونصر سراج در کتاب اللمع فی التصوف روایتی را ترجیح می‌دهد که صوفیه را به سبب پشمینه‌پوشی به این نام نامیده‌اند (گولپینارلی، ۱۳۸۳: ۲۳).

جامی نیز در این زمینه می‌گوید: «صوفی آن بود که به موقع سجاده نبود و صوفی به رسم و عادت صوفی نبود، صوفی آن بود که نبود.» (جامی، ۱۳۹۴: ۱۷۳).

قشیری در رساله قشریه معتقد است که صوفی لقب و اسم علم است و وجه اشتقاق برای آن در زبان عربی یافت نمی‌شود (قشیری، ۱۴۰۱: ۵۰). او همچنین اشاره می‌کند که پشمینه‌پوشی از دیرباز نشانه زهد و پارسایی بوده و صوفیان نیز همین لباس را اختیار کرده‌اند (قشیری، ۱۴۰۱: ۵۰). از دیگر نظریات، نظر ابن جوزی است که می‌گوید صوفی به بزرگ قبیله بنی صوفه در عهد جاهلیت نسبت داده می‌شود که خادم کعبه بوده، خود را در بیت الحرام وقف خداوند ﷻ کرده بودند (ابن جوزی، ۱۳۹۷: ۱۲).

همچنین عطار نیشابوری تصوف را به معنای «گرفتن حقایق و گفتن به دقایق و ناامید شدن از آنچه هست در دست خلاق» می‌داند (عطار نیشابوری، ۱۴۰۲: ج ۱، ۲۵). این دیدگاه نشان‌دهنده عمق تفکر صوفیان درباره وجود و حقیقت است.

از دیگر نظریات، نظر ابوریحان بیرونی بوده که معتقد است کلمه «صوفی» از کلمه یونانی «Sophia» به معنای حکمت و دانش گرفته شده است و گروهی در اسلام ظهور کردند که در عقیده مشابه دانشمندان یونانی، یعنی سوفیست‌ها بودند (زرین کوب، ۱۳۶۳: ۱۱).

۲. جایگاه و اهمیت نیشابور در تاریخ

نیشابور، یکی از شهرهای تاریخی و فرهنگی خراسان، به عنوان یکی از مراکز مهم تصوف و عرفان در تاریخ اسلام شناخته می شود. این شهر با موقعیت جغرافیایی ویژه، آب و هوای مناسب و مردمان با فرهنگ از قرون اولیه اسلامی به عنوان پایگاه علمی و فرهنگی محل توجه قرار گرفت. نیشابور به دلیل داشتن مراکز علمی و دانشگاهی، به ویژه در زمینه های ادبیات، فلسفه و عرفان به یکی از مراکز برجسته در خراسان تبدیل شد.

تصوف در نیشابور به عنوان مکتب عرفانی مهم، به ویژه در سده های سوم و چهارم هجری قمری شکوفا شد. با تأسیس حکومت طاهریان در خراسان، نیشابور به پایگاهی امن برای صوفیان تبدیل گردید و در این دوره، مکتب عرفانی خراسان در کنار مکتب بغداد شکل گرفت. این تحول به ظهور عارفان بزرگی، چون بایزید بسطامی، ذوالنون مصری، جنید بغدادی، ابوسعید خراز و سهل بن عبدالله تستری منجر شد. این عارفان با اندیشه ها و تعالیم خود، ادبیات عرفانی را غنی تر کرده، آثار مهمی را به وجود آوردند (مبلغی آبادانی، ۱۳۷۶: ۴۵).

علاوه بر این، نیشابور به عنوان مهد تصوف، تأثیر بسزایی در شکل گیری فرقه های مختلف صوفیانه داشت. در این شهر آموزه های تصوف به ویژه بر پایه زهد و دوری از مادیات بنا نهاده شد و عارفان به جستجوی حقیقت و شناخت الهی پرداختند. تصوف در نیشابور نه تنها به عنوان مکتبی عرفانی، بلکه به عنوان شیوه زندگی و فلسفه وجودی در بین مردم رواج یافت (گولپینارلی، ۱۳۸۳: ۲۳).

از نظر جغرافیایی، خراسان در قرون دوم و سوم هجری به ناحیه وسیعی اطلاق می شد که شامل بسطام و سمنگان نیز بود. این سرزمین به عنوان مهد تصوف شناخته می شود؛ زیرا از دیرباز در پرورش و ترویج آموزه های عرفانی تأثیر قابل ملاحظه ای داشته است. نیشابور به دلیل داشتن مراکز

علمی و فرهنگی، به عنوان کانونی مهم در تاریخ تصوف مطرح شده، نقشی کلیدی در شکل‌گیری و ترویج این مکتب ایفا کرد (زرین کوب، ۱۳۶۳: ۱۲).

علاوه بر این، نیشابور به عنوان مرکز تجاری و فرهنگی، به تبادل افکار و اندیشه‌ها کمک شایانی کرد. این شهر به دلیل موقعیت جغرافیایی خود، محل تلاقی فرهنگ‌ها و اندیشه‌های مختلف بود و به همین دلیل، تأثیرات متقابل فرهنگی و مذهبی در آن به وضوح دیده می‌شود.

در نهایت، می‌توان گفت که نیشابور به عنوان مرکز مهم تصوف و عرفان در تاریخ، نقش بسزایی در شکل‌گیری و ترویج آموزه‌های عرفانی و فعالیت‌های مختلف صوفیانه داشته است. این شهر با تاریخ غنی و فرهنگی عمیق، همواره به عنوان یک پایگاه معنوی و علمی در تاریخ اسلام شناخته شده، اهمیت آن در تاریخ تصوف و عرفان انکارنشده است.

۳. مهم‌ترین فرقه‌های متصوفه در نیشابور

نیشابور به عنوان یکی از مراکز برجسته تصوف در تاریخ اسلام، محل ظهور و گسترش چندین فرقه متصوفه بوده است. در اینجا سه فرقه مهم ملامتیه، کرامیه و بکتاشیه را بررسی می‌کنیم.

۱.۳. ملامتیه

مکتب ملامتیه به عنوان یکی از قدیمی‌ترین مکاتب تصوف، ریشه در نیشابور دارد. این مکتب به عنوان یک حرکت معنوی و مذهبی در قرن سوم هجری در خراسان شکل گرفته، به تدریج گسترش یافت. ابو حفص نیشابوری و حمدون قصار از شخصیت‌های کلیدی این مکتب به شمار می‌روند. حمدون قصار به عنوان شیخ ملامتیه شناخته می‌شود و طریقه ملامتیه به وسیله او منتشر شد. پیروان او در عصر خود به نام‌های قصاریه یا احمدونیه معروف بودند (دهباشی، ۱۳۹۴: ۹۳).

ملامتیان به دلیل اعتقادات خاص خود، به سرزنش و ملامت دیگران توجهی نداشته، روابط باطنی خود با خداوند ﷻ را پنهان می‌کردند. واژه «ملامتیه» از ریشه «ملامت» به معنای سرزنش و

نکوهش است و ملامتیان کسانی بودند که از سرزنش ملامتگران ترسی نداشتند (دهباشی، ۱۳۹۴: ۹۳). آن‌ها می‌کوشیدند عبادات خود را برای پرهیز از ریا کتمان کرده، به همین دلیل، عباداتشان را از دید دیگران پنهان می‌داشتند (سهروردی، ۱۳۷۵: ج ۱، ۴۰).

ملامتیان در باورهای خود به دو آیه از قرآن کریم استناد می‌کردند: آیه ۵۴ سوره مائده و آیه دوم سوره قیامت. این آیات به صفات بندگان خوب خداوند ﷻ و نفس سرزنش‌کننده اشاره دارند و به‌نوعی فلسفه ملامتیه را تبیین می‌کنند (دهباشی، ۱۳۹۴: ۹۴). این فرقه همچنین به مفهوم جهاد با نفس به‌عنوان یکی از اصول بنیادین خود تأکید داشته، بر این باور بودند که سرزنش نفس، راهی برای رسیدن به کمال معنوی است.

۲.۳. کرامیه

فرقه کرامیه به‌عنوان یکی دیگر از فرقه‌های مهم متصوفه در خراسان، در قرن سوم هجری و هم‌زمان با حکومت طاهریان و سامانیان شکل گرفت. این فرقه به‌ویژه به زهدورزی و پارسامنشی مشهور بوده، به‌نوعی از تصوف اهل حدیث نشئت می‌گرفت. احمد بن حرب نیشابوری به‌عنوان یکی از نمایندگان این جنبش زهد شناخته می‌شود (داودی مقدم، ۱۳۹۴: ۶).

کرامیه به تأسیس خانقاه‌ها و مدارس در نقاط مختلف اسلامی پرداخته، به‌عنوان گدایان و دوره‌گردان شناخته می‌شدند که به‌دنبال ترک دنیا و روی آوردن به معنویات بودند (داودی مقدم، ۱۳۹۴: ۶). با این حال مخالفت با نظریه اقتصادی کرامیان و فشارهای اجتماعی بر آن‌ها باعث شد تا این فرقه دچار افول شده، موقعیت فرهنگی و سیاسی خود را از دست بدهد. برخی از مخالفان کرامیه آن‌ها را به بدعت‌گذاری و داشتن عقاید شبه‌ناک متهم کردند و این انتقادات باعث شد که کرامیه در جامعه به حاشیه رانده شوند (سهروردی، ۱۳۷۵: ج ۱، ۴۰).

کرامیه همچنین به‌خاطر تلاش‌های فرهنگی خود در راستای خانقاه‌سازی و ترویج آموزه‌های خود، به شهرت رسیدند. آن‌ها با دعوت مردم به زهد و پارسایی، سعی در جذب پیروانی برای خود

داشتند. با این حال در نهایت فشارهای اجتماعی و سیاسی باعث افول این فرقه شد و آن‌ها نتوانستند در برابر چالش‌های موجود مقاومت کنند.

۳.۳. بکتاشیه

فرقه بکتاشیه یکی از طریقه‌های صوفیه است که در آسیای صغیر و منطقه بالکان پیروان بسیاری دارد. تاریخ پیدایش این فرقه به قرن هفتم هجری و خاستگاه آن به کشور عثمانی (ترکیه فعلی) بازمی‌گردد. محمد بکتاش یا حاجی بکتاش ولی، بنیان‌گذار این فرقه، در روستای فوشنجان نیشابور به دنیا آمد و در ۷۲۸ هجری قمری درگذشت. وی به‌عنوان یکی از صوفیان معروف ترکمن خراسانی شناخته می‌شود (کاشانی، ۱۳۹۶: ۸۹).

عقاید و رفتار بکتاشیه ترکیبی از اصول مسیحیت، عقاید صوفیه و معتقدات شیعه است. این فرقه به ائمه اطهار علیهم‌السلام اعتقاد داشته، نسبت به امام صادق علیه‌السلام احترام زیادی قائل‌اند. بکتاشیان در رفتار شبیه غلاة شیعه بوده، به امامت دوازده امام شیعه علیهم‌السلام، به‌خصوص امام صادق علیه‌السلام، اعتقاد دارند. مهم‌ترین مشخصه مسیحیان در عقایدشان تثلیث است که این فرقه نیز به آن روی آورده است (دهباشی، ۱۳۹۴: ۹۳).

بکتاشیان به پیروی از عیسویان، عشای ربانی انجام داده، بر سفره شراب و نان و پنیر می‌گذارد. شرب خمر نزد ایشان حرمتی نداشته، به اسرار اعداد و حروف عقیده دارند. این فرقه «بکتاش» را «پیر اول» خوانده، فضل‌الله استرآبادی را گرامی می‌دارند و کتاب جاویدان‌نامه وی را محترم می‌شمرند. پیروان این فرقه عبای سفید و کلاه سیاه چندگوش مثلث‌شکل می‌پوشند و شیخ ایشان دارای عمامه‌ای سبز است (کاشانی، ۱۳۹۶: ۹۳).

۴. دوره تاریخی تصوف در نیشابور

در این بخش، روند شکل‌گیری، اوج و فروود تصوف در نیشابور بررسی می‌شود.

۱.۴. شکل‌گیری تصوف و صوفی‌گری

شکل‌گیری تصوف در نیشابور به قرن دوم هجری بازمی‌گردد. این دوره با ظهور عارفان و صوفیانی چون ابوهاشم کوفی (م ۱۵۰ق)، سفیان ثوری (م ۱۶۱ق) و ابراهیم ادهم (م ۱۶۲ق) همراه بود. این عارفان با تأکید بر ساحت باطنی شریعت و زهد، اصول اولیه تصوف را بنیان‌گذاری کردند. نخستین خانقاه‌های خراسان، به‌ویژه در نیشابور، به‌عنوان مراکز تجمع صوفیان و مریدان تأسیس شدند. خانقاه ابوسعید ابوالخیر (م ۴۴۰ق) که به‌عنوان نخستین خانقاه رسمی شناخته می‌شود، در این زمان شکل گرفت و به‌تدریج به مرکزی برای تعلیم و تربیت مریدان تبدیل شد (کاشانی، ۱۳۹۶: ۳۶).

نیشابور در این دوره به‌عنوان مرکز علمی و فرهنگی خراسان، به‌ویژه در زمینه عرفان و تصوف، شناخته شد. حکومت طاهریان در قرن سوم هجری، به نیشابور اعتبار بیشتری بخشید و این شهر به کانون فعالیت‌های علمی و مذهبی تبدیل شد. در این زمان خانقاه‌های دیگری نیز مانند خانقاه ابوعثمان حیری، خانقاه ابوعلی طرسوسی، خانقاه امام قشیری، خانقاه عبدالرحمان سلمی و خانقاه سراوی که توسط ابوعلی دقاق، استاد ابوسعید ابوالخیر، بنا شده بود تأسیس شده، نقش مهمی در نشر و ترویج معارف اسلامی و عرفانی داشتند (داوودی مقدم، ۱۳۹۴: ۷).

خانقاه‌های متعدد صوفیان، چه در هرات و چه در نیشابور و چه در شهرهای دیگر خراسان، نه تنها محل اجتماع مشایخ صوفیه و مریدان و مراکز رفت‌وآمد و حلقه ارتباطی مشایخ بودند؛ بلکه از جهت نشر و ترویج معارف اسلامی و عرفانی و تعلیم و ارشاد مریدان، سهمی کمتر از مدارس علوم دینی نداشتند. کثرت خانقاه‌ها و کثرت عدد صوفیه در دوره کودکی و جوانی خواجه عبدالله انصاری در خراسان، به‌ویژه در هرات و نیشابور، به‌اندازه‌ای است که این گمان را برمی‌انگیزد که بیشتر مردم یا خود صوفی بوده یا به این گروه ارادت می‌ورزیده‌اند (مبلغی آبادانی، ۱۳۷۶: ۶۹).

۲.۴. اوج و فراگیری تصوف و صوفی‌گری

در قرن سوم و نیمهٔ اول قرن چهارم هجری تصوف به اوج خود رسید. در این دوره، مشایخ بزرگی چون جنید بغدادی، ذوالنون مصری و ابوسعید خراز اصول تصوف را تبیین کردند و تصوف از آداب سادهٔ زاهدانه فراتر رفته، به محبت و خدمت به خلق گرایش پیدا کرد. همچنین این دوره شاهد گسترش خانقاه‌ها و مراکز صوفیانه در نیشابور و دیگر شهرهای خراسان بود (سجادی، ۱۳۸۸: ۴۶).

حسن هجویری (م ۴۶۵ق) به نقش ابوعثمان سعید بن اسماعیل حیری در نشر تصوف در نیشابور اشاره کرده، از وجود سیصد شیخ صوفی در خراسان خبر می‌دهد که هریک مشرب خاص خود را داشته‌اند. او می‌گوید: «آفتاب محبت و اقبال طریقت اندر طالع خراسان است.» (هجویری، ۱۴۰۰: ۳۹). در اواخر این قرن، دو مشرب متفاوت در تصوف نیشابور قابل تشخیص بود. تصوف میانه‌رو و معتدل که نمایندگان آن ابوعبدالرحمان سلمی (م ۴۱۲ق) و ابوالقاسم قشیری (م ۴۶۵ق) بودند و تصوف تندرو و افراطی که شیخ ابوسعید ابوالخیر (م ۴۴۰ق) چهرهٔ برجستهٔ آن بود (ابن‌اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۱۲۵).

در اواخر قرن چهارم و سراسر قرن پنجم، آداب صوری و زهد افراطی جای خود را به تصوف معتدل و متشرعانه داد. آنچه باعث شد تا تصوف معتدل در جامعهٔ نیشابور سریع رشد شد، در درجهٔ اول، درهم‌آمیختگی و ارتباط نزدیکی بود که بین تصوف و فقه شافعی وجود داشت. از اواخر قرن چهارم تا پایان قرن پنجم، صوفیان نیشابور به‌طور گسترده‌ای فقه شافعی را پذیرفتند و فقهای شافعی نیز به تصوف تمایل پیدا کردند؛ تاجایی که در تواریخ نیشابور از هیچ صوفی غیرشافعی یاد نمی‌شود (نفیسی، ۱۳۸۹: ۱۹۵).

۳.۴. افول و فروپاشی تصوف و صوفی‌گری

با آغاز قرن پنجم هجری و تسلط غزنویان بر خراسان، تصوف با چالش‌های جدیدی مواجه شد. سیاست مذهبی ترکان به واگذاری قدرت به طبقات محلی وابسته بود و این امر باعث شد که نیشابور به نقطه حیاتی تصوف تبدیل شود؛ اما اختلاف آرا و جدال‌های میان صوفیان و شیوخ، به تدریج منجر به افول برخی مکاتب تصوف شد (مبلغی آبادانی، ۱۳۷۶: ۱۲۰).

پس از فوت ابوسعید ابوالخیر و سپری شدن دوره غزنویان، تصوف در خراسان به سمت اصلاح و اعتدال پیش رفت. گسترش نهادها و تشکیلات صوفیانه، از جمله مدارس و خانقاه‌ها، به نشر تعلیم و آداب صوفیانه کمک کرد. این مراکز به تزکیه نفس و تعلیم مبانی دین و اصول طریقت مشغول بوده، آثار گران‌بهایی به جای گذاشتند که تأثیرات عمیقی بر تصوف در ایران داشت (مبلغی آبادانی، ۱۳۷۶: ۱۲۰).

از ویژگی‌های پررنگ قرن پنجم، گسترش دامنه شعر فارسی بود که ذوق صوفیان را پویا و متحرک کرد. اشعار خواجه عبدالله انصاری و ابوسعید ابوالخیر در این دوران به عنوان نمونه‌های بارز شعر عرفانی شناخته می‌شوند (زرین کوب، ۱۳۶۳: ۲۵).

نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که نیشابور، به عنوان یکی از کانون‌های اصلی تصوف در تاریخ اسلام، نقش بسزایی در شکل‌گیری و ترویج فرقه‌های مختلف صوفیانه ایفا کرده است. سیر تحول تصوف در نیشابور از قرن دوم هجری آغاز شد و با تأثیرپذیری از آموزه‌های زاهدانه و عرفانی، به تدریج رشد کرد. با تأسیس حکومت طاهریان و ایجاد امنیت سیاسی و فرهنگی، نیشابور به پایگاهی امن برای صوفیان تبدیل شد و مکتب عرفانی خراسان در کنار مکتب بغداد شکل گرفت.

در این دوره، عارفان بزرگی مانند بایزید بسطامی و ابوسعید خراز ظهور کردند و تصوف در نیشابور به تدریج به اوج خود رسید.

در سده‌های سوم و چهارم هجری، نیشابور به‌عنوان یک کانون علمی و فرهنگی، تأثیرات عمیقی بر ادبیات عرفانی و آموزه‌های اسلامی گذاشت. خانقاه‌ها به مراکز مهم آموزش و تعلیم صوفیان تبدیل شدند و فرقه‌هایی مانند ملامتیه و کرامیه در این شهر رشد کردند. این دوره اوج شکوفایی تصوف در نیشابور بود و این شهر به‌عنوان یکی از مراکز اصلی تصوف در جهان اسلام شناخته شد.

با آغاز قرن پنجم هجری و تسلط غزنویان، تصوف در نیشابور با چالش‌های جدیدی مواجه شد. اختلافات داخلی میان صوفیان و فشارهای سیاسی و اجتماعی باعث افول برخی مکاتب تصوف شد. با این حال تصوف در نیشابور نه تنها به‌عنوان مکتبی عرفانی، بلکه به‌عنوان شیوه زندگی و فلسفه وجودی در بین مردم رواج یافته، به ایجاد مراکز علمی و فرهنگی کمک شایانی کرد. در نهایت، اهمیت نیشابور در تاریخ تصوف و عرفان انکارنشده‌ای است و این شهر همچنان به‌عنوان یک پایگاه معنوی و علمی در تاریخ اسلام شناخته می‌شود.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن اعثم کوفی، محمد بن علی، ۱۴۱۱، الفتوح، چ ۹، بیروت: دار الاوضاء.
۲. ابن جوزی، ابوالفرج، ۱۳۹۷، تلبیس ابلیس، چ ۶، تهران: انتشارات آرامش.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، ۱۳۶۴، مقدمه ابن خلدون، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. الهامی، داود، ۱۳۹۲، عرفان و تصوف، تهران: انتشارات سروش.
۵. پورالخاص، شکرالله، ۱۴۰۲، «نگاهی به ابعاد گوناگون اختلاف جنید و حلاج در آئینه تقابل تصوف مکتب خراسان و بغداد»، نشریه عرفان اسلامی، س ۲۰، ش ۷۵، ص ۱ تا ۱۹.
۶. تهرانی، جواد، ۱۳۹۵، عارف و صوفی به چه کسی می گویند، تهران: انتشارات افاق.
۷. جامی، عبدالرحمن، ۱۳۹۴، نفحات الانس، تهران: انتشارات سخن.
۸. جوادی، نصرالله، ۱۳۹۰، جستجو در پژوهش های عرفانی، چ ۲، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۹. چوگانی، نعمت الله و دیگران، ۱۴۰۱، «ملاطیه و بازخوانی و نقد آن از نگاه هجویری»، نشریه پژوهش نامه مذاهب اسلامی، س ۹، ش ۱۸، ص ۴۵۵ تا ۴۸۷.
۱۰. داوودی مقدم، فریده، ۱۳۹۴، «معرفی خانقاه های خراسان و کارکردهای آنان»، فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، س ۱۰، ش ۳۷، ص ۹۳ تا ۱۱۸.
۱۱. دهباشی، مهدی، ۱۳۹۴، تاریخ تصوف، تهران: انتشارات سازمان صمت.
۱۲. زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۶۳، جستجو در تصوف ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۳. سجادی، سیدضیالدین، ۱۳۸۸، مقدمه ای بر مبانی عرفان و تصوف، چ ۳، تهران: انتشارات سازمان صمت.

۱۴. سراج طوسی، ابونصر، ۱۴۰۲، اللمع فی التصوف، ترجمه مهدی محبتی، چ ۴، تهران: انتشارات اساطیر.

۱۵. سهروردی، شهاب‌الدین، ۱۳۷۵ش، عقل سرخ، بی‌جا: بی‌نا.

۱۶. صدری، جمشید، ۱۳۸۷، «تصوف در مکتب خراسان»، نشریه ادبیات فارسی، س ۵، ش ۲۰، ص ۵۴ تا ۶۹.

۱۷. عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین، ۱۴۰۲، تذکرة الاولیاء، تهران: انتشارات سخن.

۱۸. قشیری، ابوالقاسم، ۱۴۰۱، ترجمه رساله قشویه، تهران: انتشارات سخن.

۱۹. کاشانی، عبدالرزاق، ۱۳۹۶، فرهنگ اصطلاحات عرفان و تصوف، تهران: انتشارات پردیس.

۲۰. گاراژیان، اقدس، ۱۴۰۰، «بررسی تطبیقی فعالیت‌های صوفیان و کرامیه در گسترش اسلام در شرق ایران (سده‌های سه تا پنج قمری)»، نشریه تاریخ و فرهنگ، س ۵۳، ش ۱۰۷، ص ۹۹ تا ۱۲۱.

۲۱. گولپینارلی، عبدالباقی، ۱۳۸۳، تصوف در یکصد پرسش پاسخ، تهران: انتشارات گستره تهران.

۲۲. مبلغی آبادانی، عبدالله، ۱۳۷۶، تاریخ صوفی و صوفی‌گری، تهران: انتشارات علم.

۲۳. نفیسی، سعید، ۱۳۸۹، سرچشمه تصوف، تهران: انتشارات نگاه.

۲۴. هجویری، علی بن عثمان، ۱۴۰۰، کشف المحجوب، چ ۲، تهران: انتشارات سروش.

